نقد دیدگاه حسن جبل دربارهی معنای ضلّ

گمان بندهٔ این است که «ضلّ»، معنایی که ایشان گفته را ندارد. یکی از چیزهای خوبی هم که این معجم دارد، این است: ایشان کاری کرده که ترتیب حروف را محفوظ نگه داشته است. میگوید: فرق من با ابن فارس این است که او میگوید ممکن است دو تا اصل شوند اما من میگویم حتماً یکی است. بعد میگوید فرق من با ابن جنی این است: ابن جنی گفت هر کلمه سه حرف دارد که اگر ترتیب آنها را به هم بزنید، فرقی ندارند. اما من میگویم کامل فرق میکند. یعنی هر حرفی در هر جایی که قرار گرفته است، رتبهاش هم دارد نقش ایفاء میکند. بعد چند مثال میزند. یکی از آنها خیلی جالب است؛ «لزّ» و «زلّ». «زلّ» بهمعنای لغزیدن است. «زلزل» هم که تکرار است؛ دوبار لرزش است. او میگوید «زلّ» یعنی یک چیزی بلرزد و از موطن خودش جدا شود. وقتی همین را برعکس میکنید، معنای برعکس میدهد. «لزّ» یعنی جدا نشود و بچسبد. خب، پس ترتیب در زبان عرب دخالت دارد؛ «لزّ» با مثلثّهایش «لزم»، «لزب»، «لزج» به این معنا است. «طِينٌ لَازِبٌ»[1]، «لزج» که چسبناک است. «لزم» یعنی به آن چسبید. «لزّ» هم در لغت همینطور است. ایشان در این فضا این ترتیب را مهم میداند.

در عربی «لضّ» نداریم. به کار نرفته است. او هم نیاورده است. «ضلّ» را داریم. اول چیزهایی که خودمان بحث کردیم را عرض میکنم. آنچه که بنده عرض میکنم، این است: بعضی معانی است که با چیزهای دیگری خودش را نشان میدهد. خیال میکنیم «ضلالت» باید یک راه باشد. راه رفتنی باشد و از راه گم شود. «ضلّ الطریق» هم با سایر معانیای که او گفته، درست است، اصل گم شدن راه برای این است که قدیمها کاروان به بیابان میرفت؛ یک خط سفیدی در بیابان معلوم بود؛ آن جاده بود: «وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ»[2]؛ جاده آنی بود که قدم خورده بود و در بیابان این مسیر معلوم بود. اما وقتی طوفان میشد آنها به هم میریخت. میگفتیم: «ضلّ الطریق»؛ راه گم شد. یعنی آن چیزی که میگرفتیم و با خاطر جمع خط سفید را میگرفتیم و میرفتیم، الآن دیگر نیست. به جایی میرسیم که راه دیگر محو میشود. میبینیم دیگر راه نیست. کجا بروم؟ متحیر میشویم.

ایشان در معنای «ضلّ» گفت: چیزی در چیزی محو میشود. الآن هم ریگها میآیند و راه را می پوشانند. آیا یک راه رفتنی در ضلالت هست یا نیست؟ یا نه، صرفاً گم شدن است؟ «قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا»[3]، در این آیه، آیا معنای راه هست یا نیست؟ «وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ»[4]؛ گم میشود. آیات شرک که خیلی جالب است؛ خدا متعال از آنها سؤال میکند، آنهایی که برای من شریک میآوردید، کجا هستند؟ «قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا»[5]؛ نمیدانیم، آنها گم شدهاند. به خیالمان آنها چیزهایی هستند که میتوانند کاری کنند، درحالیکه همه گم شدهاند. «ضَلُّوا عَنَّا» را چندجا دارد. در یک جا میفرماید: «مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَيْئًا»[6]؛ اطلاق «شیء» میکند.

آیا در «ضلالت» یک جور راه رفتن هست یا نه،صرف اینکه چیزی در چیزی محو شود کافی است؟ ایشان معنای راه رفتن را نگفته بودند.

شاگرد: مثلاً در بیابان، ریگها جادهای را می پوشانند، چیزی در چیزی میرود و گم میشود. وقتی «ضلّالطریق» میگوییم یعنی طریق گم شده است.

استاد: طریق گم شده و او هم گم گشتهی راه است.

شاگرد 2: شاید «ضلّعن الطریق» بوده است و منصوب به نزع خافض شده و «ضلّالطریق» شده است. بعید میدانم «طریق» فاعل قرار بگیرد.

شاگرد: در این صورت، «ضلّالماء» چه میشود؟

استاد: یعنی تا زمانیکه آب در دل شیر یک نفوذی نکند، محو شدنش ضلال است یا آن رفتن آب درجاییکه بعداً به جایی برسد که دیگر خودنمائی آن تمام شود؟ فقط بهعنوان طرح بحث عرض میکنم.

شاگرد: در «ضلّالماء»، نوع تعدیه دخالت دارد. اگر «ضلّ» با «عن» یا «من» متعدی شود، در «ضلّ الماء» باب تضمین، یا لحاظ قابل بررسی است. یعنی چه بسا یک روح معنایی باشد و جلوههای دیگرش با تضمین و لحاظ وارد شود.

---

[1]. الصافات، آیهی ۱۱.

[2]. نهجالبلاغه، خطبهی شانزدهم.

[3]. غافر، آیهی ۷۴.

[4]. هود، آیهی ۲۱.

[5]. الغافر، آیهی ۷۴.

[6]. همان.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2025 14:07:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 فوریه 2025 15:37:59 توسط ... .